

<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماى جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008</p>		<p>حدیث روز:</p> <p>امام حسن (ع) فرمود: خبری که شر ندارد، شرک بر نعمت و صبر بر ناگواری هاست.</p>
<p>پلک احساس:</p> <p>افسانه‌هایمیدان عشاق بزرگند م عاشقان کوچک بی‌داستانیم</p>		<p>پلک احساس:</p> <p>حسین منزوی</p>
<p>اوقات شرعی:</p> <p>اذان ظهر: ۱۱/۵۰ اذان مغرب: ۱۷/۴ اذان صبح (فردا): ۵/۱۹ غروب آفتاب: ۱۶/۵۴ نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۷ طلوع خورشید (فردا): ۶/۴۷</p>		<p>پیش‌بینی آب و هوا جمعه</p> <p>تهران ۹ / ۱ اهواز ۲۱ / ۸ بوشهر ۲۲ / ۱۳ رشت ۸ / ۴ زاهدان ۱۳ / -۲ زنجان ۳ / -۷ مشهد ۵ / -۳ همدان ۳ / -۷</p>
<p>حکمت ۵۵:</p> <p>صبر بر دو گونه است: یکی صبر در آنچه آن را ناخوش می‌داری و یکی صبر از آنچه دوستش می‌داری.</p>		<p>امروز در تاریخ:</p> <p>تصویر لایحه واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکت آمریکایی استاندارد اوپیل (۱۳۰۰ ش) نمایش فیلم «دختر لر»؛ نخستین فیلم ناطق ایرانی (۱۳۱۳ ش) انتشار اولین جدول کلمات متقاطع در آمریکا (۱۹۱۳ م) روز جهانی تلویزیون</p>

گفت‌وگو با استاد قباد شیوا ؛ گرافیست

عاشق فردا هستم

کنسرو گرافیک؟

برداشت مرحوم سپهر بوده از کارهام.

دست مهریانی که به شما کمک کرد؟

دست خودم.

نامهربانی هم دیدین/استاد؟ بله همیشه.

به زندگی‌تون که داورانه نگاه بکنین (مثلا ویتکینشاین گفته: زندگی فوق‌العاده بود)؟

بله، من هم از زندگی خودم راضی‌ام و از مسیری که رفتم.

از راضایی‌ها؟

زیاد خرده نمی‌گیرم.

توی هنر بیشتر رسوندین یا دادین؟

سعی کردم از طریق کارم به فرهنگ بصری مردم اضافه کنم؛ نه که کار بازاری و تجاری کنم.

برخی معاصران مشهور کارهاشون کپی بردار به از آن‌سوی مرزها؛ می‌دونین دیکه!

کوشش کرده‌ام همیشه صادق باشم و تحت تاثیر آقا یا خانم ایکس در فلان جای جهان نباشم.

وقتی جایگاه جهانی شما شناخته و معرفی شد چه حسی داشتین؟

طبیعتا خوشحال شدم.

زوجمات تون؟ این که هنر نرفته و کسانی بودن که دوست داشتند این جور کارها رو.

همکاری که به نوعی الهام‌بخش یا منتقل هم بوده باشین؟

مقایسه تنهایی با یگانگی شما با کوره‌زمین؟

من کسی نیستم عزیزم! فقط همیشه سعی کردم توی کارم صادق باشم.

درباره خط‌ها چه احساسی دارین، وقتی خط‌خطی می‌کنین به شما چی می‌گن؟

مثل دستگاه ضربان قلبه، خطی که ما می‌کشیم همونه.

روح شما رو اکه بخوایم تصویر کنیم شبیه چی میشه؟

بستگی به دید شما داره.

رنگ رو تون چه رنگیه؟

سفید.

که همه رنگ‌ها توش حل میشه؟

اصلا یکی از مشخصه‌های کار من به کار گرفتن رنگه.

کدوم رنگ رو بیشتر دوست دارین؟

رنگ قرمز و سورمه‌ای.

برگردیم به رنگ رو تون که سفید، آیا گاهی لکه‌ای روش میفته؟

پیش میاد.

چی لک‌میدنازه؟

بستگی داره.

بای بسم!...

انجمن بین‌المللی طراحان گرافیک، دوره ۱۲ جلدی آثار استادان بزرگ بین‌المللی طراحی گرافیک را که منتشر کرد، آثار قباد شیوا زینت‌آرای یک جلدش بود انجمن، دلیل‌گزینش استاد را در تماسی تلفنی چنین عنوان کرد: کارهای شما هویت مستقل و خاص دارد و شاخص گرافیک ایران است.

می‌توانید در دایره‌المعارف بریتانیکا و ویراست ۲۰۰۷ درباره آثار استاد و ویژگی‌هایش بیشتر بیاموزید...

همچنین زمانی که در آمریکا دوره مطالعاتی‌اش را می‌گذرانید، دانشگاه از آتاریش نمایشگاهی برپا کرد که چون آثار شیوا به طور عمیق برآمده از ذائقه پارسی است، در نیویورک طنینی در انداخت تا این که گروهی با دستگاه‌هایی آتچنانی آمدند و با استاد گفت‌وگو کردند تا صدای شیوا هم به‌عنوان پیام نخبگان زمین، بخشی از داده‌های همان دیسک طلایی معروف باشد که با وویچر به فضای بی‌کران فرستاده شد.



علی‌مظاهری

روزنامه‌نگار

صابونی که روح شما رو پاکیزه می‌کنه؟

صحبت کردن با یه شخصی مثل شما.

لطف دارین، حالا به ابراز احساسات به رنگ قرمز؟

رنگ عشقه، خونه، تاثیر بصریش روی مردم خیلی زیاده، رنگ گرمه.

باهاش موازی هستین باهاتون سنخیت نداره؟

مقداری بستگی به روحیه آدم داره.

ما به ازای بیرونی شما در طبیعت؟

درخت.

کدوم درخت رو بیشتر دوست دارین؟

درخت انار.

درباره ایران دوست داشتین؟ من عاشق کتیبه‌های گنج‌نامه‌ام.

جالبه نه نگاره داره نه...!

هنر توی سادگیه.

کدوم درخت ریشه گرافیک در غارنوشته‌های کهن مثل لاسکو ۱۴۰۰۰ سال پیش از میلادو... است؟

اعلام حضور بوده یعنی ما اینجا جاییم.

پس گرافیک از قرن ۱۹ آغازید مثل موندریان هلندی و...؟

بله. گرافیک اگر تکثیرنشده گرافیک نیست.

از گرافیست‌هایی که

چهل و هفت سال از آن روز می‌گذرد که

پرویز اسلام‌پور، شاعر عجیب سال‌های پایانی دهه ۴۰، از پله‌های دفتر قباد شیوا بالا رفت تا با او گفت‌وگوی شماره ۱۰۰ هفته‌نامه

تماشا را ترتیب دهد؛ آن گفت‌وگوی عجیب و متفاوت با تیتیر «از سال‌ها پیش تا هنوز هم»، سوم اسفند ۱۳۵۱ در سه صفحه

منتشر شد اما هیچ سر و صدایی به راه نینداخت تا این که روزی ما به آرشپوه‌ها سری بزنیم و ببینیم چرا این

گفت‌وگو، «گفت» ندارد، پرسش‌ها، جز آن آخری که می‌پرسد «بعد، آخرین گرافیست دنیا چه خواهد کرد» از متن حذف شده‌اند و تنها

پاسخ‌ها به جای مانده‌اند. بعدها از شیوا پرسیدم این دیگر چه

قابلی از مصاحبه بود؟ می‌گفت اسلام‌پور گفته بود از پاسخ‌ها معلوم

است پرسش‌ها چه بوده است.

آن گفت‌وگو علاوه بر حذف پرسش‌ها، از یکی دیگر از ساختارهای

مسلط گفت‌وگوهای مطبوعاتی نیز فراروی کرده بود؛ متن، بدون

بود؟

محله درودآباد (در بافت تاریخی بازار).

آخرین سفر به شهر آبا اجدادی؟ هفته پیش.

مقایسه همدان پیشین با امروزه؟

خوب شهری شده، الآن به لحاظ شهرسازی به نظر من خیلی زیبا

شده.

ترجیحا بهترین شهر جهان برای زندگی؟

من هنوز هم که هنوز عاشق شهر خودم همدانم.

تاگی‌ها هدیه گرفتین؟ بله.

بهترین هدیه‌ای که دوست دارین بگیرین؟

فکر نکردم ژوش.

بهترین هدیه به شما؟

کسانی بودند که من رو تشویق کردند.

از جمله؟

مرحوم پدرم و اشخاصی مثل شما که درک خاصی دارند در

هرکاری.

خیلی از مردم کار شما رو دوست دارند.

همین هدیه است دیکه.

وقتی نسل‌های دیکه به شما

ابراز احساس می‌کنن؟

این نظر لطف شونه.

آخه واقعیته مثل من که بخشی از کودکی و نوجوونیم با خاطره‌سازی آثار (کتاب و...) شما شکل گرفته؟

این یعنی شما آدم باهوشی هستی.

هست کتاب‌هایی که نقاشیش از متن فراتر رفته و چیزی افزون بر متن پدیدآورده!

باید این جور باشه.

لها رفت و آمد؟

تمام شاگردها عصرها جمع می‌شن اینجا و با همه‌شون دوستم.

گر خط‌ها و رنگ‌ها به حرف تون گوش‌نکنن؟

اون‌هارو خود من به وجود آوردم.

با خط‌ها و رنگ‌ها و نقش‌ها تون چه‌بذری پاشیدین؟

اول زیبایی. چون مصرف‌کننده کار ما مردم‌اند.

چه جوری مردم (مخاطب) رو در نظر می‌گیرین؟

اونقدر رنگ و زیبایی میذارم توی کارم که اگه اطلاعیه کار (پوستر

مثلا) به درد بیننده نخوره، ولی کار رو دوست داشته باشه.

چیکه روح کارهای شما؟

طبیعت ایرانه.

رو موقعیت کنونی چه چیزی رو دوست دارین؟

فکر نکردم روش.

مسیر زندگی تون؟

از اول خونه ما پر بود از

محبت و عشق. من تربیت شده پدرم هستم من ادامه پدرم

هستم.

شده به شک رسیده باشین؟

همیشه.

نقطه یقین تون کجاست، وقتی کار تموم میشه؟

وقتی که کار می‌کنین ایده‌آله، کار که تموم میشه و هفته بعد

که نگاه می‌کنین می‌بینین نه! ایده‌آل نیست.

توی زندگی و همین حرفه تون؟

مرتب دارم کار می‌کنم.

چی شما رو از دیگران متمایز می‌کنه؟

دنبال این تمایز نیستم من زندگی خودم رو دارم و با همه هم

دوستم.

شاعرانه رفتار کردن و زیستن به روحیه تون می‌خوره؟

خیلی‌ها درباره زندگیم شعر گفتن، ولی خودم شاعر نیستم.

یادتون میاد الان یک فرازی؟

نه، حفظ نیستم.

توجه به تلویزیون؟

توی خونه‌ها که از صبح تا عصر روشنه، ولی نگاه می‌کنم بعضی

وقت‌ها.

توی زندگی تون چی خیلی مهمه؟

راستش اینه که یکی از شقوق حرفه‌م طراحی پوستره وقتی

از من می‌پرسن کدومش رو دوست داری می‌گم پوستره که

فردا می‌کنم.

پس مهم یعنی؟

هر روز دارم کار می‌کنم.

شده در کار به تکرار رسیده

باشین؟

نه.

ذهن تون رو چی با زور می‌کنه؟

نوآوری.

استاد نگاهم رو برمی‌گردونه به

سوی دیوار دفتر کارش و تاکید می‌کنه!

این پوسترها دوتاش مثل هم نیست هر پوستر برای من به

تجربه جدیده.

طرح جلد کتاب چی، به خاطر

ویژگی‌هاش به تکرار نمی‌رسه؟

رو جلد کتاب در واقع یه پوستر کوچیکه.

شخصیت دلپذیر شاهنامه

برای شما؟

رستم.

کدوم فصل زندگیش؟

پدیده‌ایه که فردوسی نوشته و در همه‌حالش بی‌نظیره.

اخیرا در بازخوانی شاهنامه، به

بخش غیبت رفتن کیخسرو رسیدم

عجیب آدمی بوده!

فردوسی عجیب بود.

نیروی برتری که به شما انرژی

داده؟

محبت.

وقتی که نانجیبی و بی‌محبتی

می‌بینین؟

می‌رنجم از اون آدم.

چطور برخورد می‌کنین؟

راه خودم رو میرم، بد گفتن، خوب

گفتن، من راه خودم رو رفتم.

این راه‌ها که از قبل آماده نبوده

لا بد خود شما راه رو ساختین؟

بله.

در مسیر چه جور خستگی در می‌کردین؟

کار رو با یه تجربه جدید شروع می‌کردم.

همیشه می‌گین؟

همیشه می‌گم یو پوستر خوبه که

از توی خیابوناره توی خونه‌ها.

این که نام نیک دارین؟

خدا رو شکر می‌کنم.

روای تحقیق نیافته؟

حتما! گفتم که! می‌گن کاری رو

که دوست داری؟ می‌گم کاری که

فردا بکنم.

درباره عاقبت بخیری؟

از اون لحاظ خاطرم جمعه.

می‌دونم عاقبت بخیرم چون هر

هوای تازه

«ادهای به‌خاطر این که کار ایرونی بشه مثلا به اسلامی به گوشه‌ای میذارن و... من هیچ وقت اسلامی توی کارم نیست، ولی همه کارهام نه به دید خودم، به دید» (صاحب‌نظرهای دنیا) ایرونی‌ها! استاد این را که گفت، یاد آن گزین‌گویه‌اش افتادم که: ما باید با فرهنگ خودمان در گفت‌وگوی گرافیک جهانی حضور داشته باشیم ما غافلیم در کشوری زندگی می‌کنیم که

داشته‌های هنریش از منابع نفتی سرشارتر است.

درک نادرست غربی‌ها هنر ایرانی اسلامی را در گستره‌هایی تزئینی می‌شمارد در حالی که به باور قباد شیوا هنر اسلامی یکی از خالص‌ترین هنرهایی است که بشر به آن دست یافته. هنر اسلامی با وجودی که طی قرن‌ها شکل گرفته، بسیار مدرن است حرف آنها پس از سده‌ها هنوز حرف امروز است و این یعنی مدرنیته. ما مدرنیته را از قدیم داشته‌ایم اما شاید باید نیکلاس شیفری باشد که با حس کنجگاو آنها را ببیند و باز عرضه کند تا ما تازه آن را دریابیم!

کاری که کردم با نیت خوب بوده.

درباره مرگ چه جوری می‌اندیشین؟

انتهای زندگیه.

سپهری می‌گه مرگ در سایه نشسته و ما رو تماشا می‌کنه با

خوشه انگوری می‌آید به دهان؟

اون مرگ شاعرانه است.

مرگ واقعی ولی؟

ادامه زندگیه.

زندگی بی‌مرگ؟

معنی نداره.

مرگ چیه؟

مانمی‌دونیم مرگ چیه ولی

انتهای حرکت ماست.

ولی کسانی مثل شما با

کارهاشون که ادامه دارن؟

اگر در زمان حیات مون کارهایی

کرده باشیم که روی مردم تاثیر

گذاشته باشه، تا وقتی که اون

کارها هست ما هم هستیم.

تا اینجا خوش تون اومده از

گفت‌وگو؟

خوبه! خیلی خوبه!



پوستر

نمایشگاه



پوستر

نمایش



جلد کتاب

شعر



جلد کتاب

شعر

